

یادداشت روز

باسخ گویی در برابر آثار هنری



محمود نور ایی

● هنر معاصر دنیا، رویکردی متفاوت با آنچه امروز در هنر معاصر ایران می‌گذرد، دارد. اگرچه شکل محتوایی آنها و رویکردهای مفهومی آنها یکی است، اما شیوه‌های متفاوتی در ارائه اثر هنری دارند؛ همان‌گونه که هنر مدرن ایران، تجربه متفاوتی را از هنر مدرن دنیا پیش‌سر گذاشت، می‌توان تاکید داشت که هنر معاصر ایران شکل بومی خود را دارد، هرچند موضوعاتی مانند هویت، جنسیت، جنگ و محیط زیست، بن‌مایه‌های محتوایی همه این آثار هستند؛ اما شکل ارائه آنها تحت تأثیر جغرافیای ذهنی است که رنگ و بویی تازه برای هنر دارد.

از سویی دیگر مواجهه با هر اثر هنری می‌تواند برای مخاطب احساس متفاوتی را رقم بزند، از حس نوستالژیک تا تنفر و از شوک تا فرورفتن در احساس هنرمند. اثر هنری می‌تواند مخاطب را در جریان سیال حسی‌اش گرفتار و او را در وادی احساسات سرگردان کند. حال اگر اثر هنری از واکنش احساسی مخاطب جلوگیری کند و او را در برابر مفاهیم انتقادی و چالشی قرار دهد، جریانی را پدید می‌آورد که آن را همسو با هنر معاصر می‌کند. هنری که با دوری‌جستن از احساس، مخاطبش را در برابر پرسش‌هایی قرار می‌دهد که به کشف خود و داده‌های ذهنی‌اش بپردازد.

از این منظر می‌توان نمایشگاه «شکستی» فرشین طهماسب در گالری شکوه را نمایشگاهی با رویکردهای معاصر و شیوه ارائه آثار را در مختصات هنر معاصر ایران بررسی کرد.

آثار طهماسب، موضوع جنسیت و بیشتر احساسات زنانه را هدف قرار داده است، اما شیوه بیان‌گرایی آثار به سوی نگاه‌های فمینیستی نلغزیده و هنرمند سعی در ارائه پرسش‌های ذهنی خود در قالب آثار مفهومی داشته است. آثار طهماسب جلگی نگاهی نقادانه به موضوعی زندگی اجتماعی زنان دارد و احساسات آنها را در برابر نگاه نفاذانه خود قرار داده است. او در عنوان آثارش نیز همین روند را پی گرفته و تلاش داشته پرسشگری آثار را در مقابل مخاطبان قرار دهد تا مخاطب در روند مواجهه اثر در مقام پاسخ قرار گیرد.

ایجاد زمینه گفتمانی اثر و مخاطب هدف غایی طهماسب در مجموعه آثار «شکستی» است که هم در تکنیک ارائه آثار و هم رویکرد آثار فیکورائیتوب به خوبی قابل خوانش است.

طهماسب در این مجموعه که شامل ۱۲ اثر است، از سبک‌های مختلف نقاشی برای بیانگرایی آثارش بهره برده و خود را مقید به ارائه یک مجموعه منسجم از لحاظ آرایه‌های بصری نکرده است. او در ارائه وجه تکنیکال آثارش تلاش داشته تا متناسب با موضوع و گفتمان هر اثر از بهترین شیوه بیان بصری استفاده کند. از همین رو دیگر مجموعه آثار می‌توان از آثار اکسپرسیو و آبستره هندسی تا کلاژ و خط نیز دید.

به‌طور کلی می‌توان برخورد آرایه‌های بصری فرشین طهماسب را به سه دسته تقسیم کرد، فیکورهایی که حالات احساسی خود را از خشم تا غم و از یاس تا شادی جلوه می‌کنند و از سویی دیگر احساس هنرمند به سوزه را که در پس‌زمینه با رنگ‌باشه‌ها و آبستره‌های هندسی می‌توان خوانش کرد و سوم در برخی از آثار که خط‌نوشته‌های کلاژگونه هستند وضعیت فیکور و پس‌زمینه را برای مخاطب به‌گونه‌ای ترسیم کرده تا مخاطب را در برابر سؤالی واضح قرار دهد.

«ناصر باکیده» دبیر نخستین جشنواره «بیطار» شد

● **گروه هنر:** در حکمی از سوی رئیس سازمان دامپزشکی کشور، «ناصر باکیده»، دبیر نخستین جشنواره تخصصی فیلم و عکس بیطار شد. به گزارش روابطعمومی جشنواره، در حکم دکتر مهدی خلیج، رئیس سازمان دامپزشکی کشور، آمده است: «جناب آقای ناصرعلی باکیده، با سلام و احترام، با توجه به شایستگی و تجارب جناب‌عالی در برگزاری جشنواره‌های سینمایی به موجب این ابلاغ به‌عنوان دبیر نخستین جشنواره تخصصی بیطار (فیلم و عکس) منصوب می‌شوید. امید است با استعانت از درگاه حضرت احدیت و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان دامپزشکی کشور و جامعه سینمایی در راه برگزاری هرچه‌بهرتر جشنواره، بیش از پیش موفق باشید».
ناصر باکیده، علاوه بر تجربه‌های مختلف در عرصه مسئولیت اجرایی و دبیرخانه جشنواره‌های فیلم فجر، جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، جشنواره فیلم کوتاه حسنا، جشنواره فیلم تسنیم و مدیریت امور استان‌های جشنواره‌های فجر، کودک و یاس در ادوار مختلف، دبیری چهار دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران، جشنواره فیلم صنعتی (دومین دوره) و... را در کارنامه دارد. او پیش از این‌ مدیریتعامل انجمن سینمای جوانان ایران و معاون اجرایی مؤسسه امور جشنواره‌ها بوده و نام او به‌عنوان مؤسس جشنواره ملی فیلم و عکس نماز و نیایش و مؤنوس اتحادیه فیلم‌سازان کوتاه کشور‌های اسلامی (با ۲۸ کشور اسلامی) ثبت شده است.

● پورا احمد: سینما بااین رفتارها فلج شده

فرانک آرنا: هفتمین «شب کانون کارگردانان» امسال

در حالی برگزار شد که برپایی آن سال گذشته به دلیل مرگ غیرمنتظره «عباس کیارستمی» لغو شده بود. در این مراسم با حضور دکتر صالحی‌امیری، وزیر ارشاد و محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی، از پنج نفر از کارگردانان سینمای ایران تجلیل شد.

شامگاه ۲۱ تیر سالن پردیس ملت در برنامه‌ای

با اجرای داریوش فرهنگ، میزبان اعضای کانون کارگردانان خانه سینما بود.

در ابتدای مراسم، محمد بزرگ‌نیا، رئیس کانون کارگردانان، گلایه اعضای این صنف را خطاب به وزیر ارشاد این‌گونه بیان کرد: «تا جایی که به یاد دارم، ما سینماگران در این سال‌ها همیشه درباره موضوعات مختلف مانند توقیف فیلم‌ها، تحریم‌ها، کپی‌رایت و تعریف جایگاه فرهنگی در سینما گفت‌وگو کرده‌ایم، اما امروز شاهد مسائلی هستیم که دور از شان سینمای ایران است؛ مثلاً متأسفانه شرایط سخت تولید و ازکارافتادی بیشتر دست‌اندرکاران سینما وضعیت معیشتی بدی را ایجاد کرده است که همه ما در قبال آن مسئول هستیم. دولت و صنوف باید در کنار هم برای حل این مشکل برنامه‌های مؤثری داشته باشند و خوب است امشب در هفتمین جشن کانون قول دهیم که این موضوع را پیگیری کنیم و اجازه ندهیم این شرایط ادامه پیدا کند».

در ادامه، بزرگ‌نیا نخستین جایزه کانون را به «نگرس آبیار» اهدا کرد. او درباره این این فیلم‌ساز جوان گفت: «به نظر «دیلیم خوشامد» را به خانم آبیار بدهیم، چون او با همین چند فیلم خود نشان داد که فیلم‌ساز خوش‌فکر و خوش‌آینهای است».

آبیار هم ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم، سه آرزوی خود را این‌گونه بیان کرد: «برای من افتخار بزرگی است که از کانون کارگردانان تقدیس گرفتم. فقط آرزو می‌کنم وقتی سینماگران ما در جشنواره‌ها جایزه می‌گیرند، نظر ورزشکاران از آنها استقبال و برایشان سرود ملی پخش شود. همچنین آرزومند ماجرای ترازیکسی که برای آقای کیارستمی افتاد، دیگر تکرار نشود و دست‌آخر اینکه دیگر شاهد توقیف فیلم‌ها

نگارش سریال «دختر شینا» به اتمام رسید؛ ولی فعلاً تولید آن بنا به دلایلی متوقف شده است. الان هم مشغول نوشتن فیلم‌نامه سینمایی هستم؛ ولی دقیقاً نمی‌دانم که نگارش آن کی به اتمام می‌رسد.

● **در این مدت هم باخبر شدیم که فیلم «نفس» در برخی از جشنواره‌ها جایزه گرفته است.**
بله. اخیراً جایزه بهترین کارگردانی برای فیلم «نفس» از جشنواره زنان ونکوور را دریافت کردم. همچنین فیلم «نفس» جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران جشنواره زوریخ را از آن خود کرد.

● **خود شما در این جشنواره‌ها شرکت کرده‌اید؟**
نه. چون در جشنواره‌های دیگر حضور داشتم. ● **کدام جشنواره؟**
جشنواره فیلم‌های کلن.

هنر

شب پرگلایه کارگردانان

● داوودی: امیدوارم فیلمم بایک تلفن از پرده پایین کشیده نشود



داوودی رونمایی شد و درحالی‌که ایسن کارگردان به هیجان آمده بود، گفت: «یک ماه است که سر کار هستم و امروز باعجله خود را رساندم و نمی‌دانستم دوستان لطفشان در حق من دوچندان شده. این جلسه مرا به یاد ۳۰ سال قبل انداخت؛ زمانی که خواستیم کانون را راه‌اندازی کنیم. انکار همین دیروز بود. وقتی مارزاسار میری زنگ زد که در این جلسه شرکت کنم، نگران شدم که نکند این آخرین کار من باشد و در نهایت به دلیل رفاقت‌ها در این مراسم شرکت کردم».

داوودی به توقیف «اساله فیلم «زادبوم» و توقیف تلفنی «اکسیدان» تلویحا اشاره کرد و گفت: «هنوز بعضی چیزها مرا اذیت می‌کند؛ مثلاً مدت‌ها همکاران و دوستانم برای به‌بارنشستن فیلمی تلاش می‌کنند، ولی کمی بعد فقط با یک چرخش سیاسی، تمام تاج، هیچ‌بویج می‌شود! فیلم من پس از ۱۰ سال توقیف قرار است اکران شود. امیدوارم با یک تلفن از پرده پایین کشیده نشود».

همایون اسعدیان جایزه بعدی را به سامان مقدم اهدا کرد و توضیح داد: «بعضی‌ها ذاتا دوست‌داشتنی و البته بدقول هستند و به نظر سامان مقدم از آن دسته آدم‌هاست. سامان مقدم وقتی فیلم‌سازی را

نباشیم». سپس مسعود کیمیایی جایزه کارگردان نسل اول را به سیروس الوند اهدا کرد. او گفت: «زمان ما اگر فیلمی به جشنواره می‌رفت و جایزه می‌گرفت، ضدارزش بود. ما تمام تلاش خود را می‌کردیم که فیلم‌هایمان به جشنواره‌ها راه پیدا نکنند. به‌همین‌دلیل از قافله عقب افتادیم. سیروس الوند ویژگی خوبی دارد. او همیشه مستقل و با تهیه‌کننده و استودیو کار می‌کرد». الوند هم خطاب به کیمیایی عنوان کرد: «اگر مسعود کیمیایی «قصر» را نمی‌ساخت، بعید می‌دانم می‌توانستیم فیلم بسازم. در زندگی‌ام چهار شب خیلی مهم بوده؛ یکی شب تولدم که خاطرم نیست. شب دوم زمانی بود که ازدواج کردم. شب سوم زمانی که در کنار کیمیایی، مهرجویی و حاتمی‌کیا جایزه گرفتم و اما شب چهارم هم امشب است».

سیس رخشان بنی‌اعتماد جایزه کارگردان نسل دوم را به ابوالحسن داوودی اهدا کرد. بنی‌اعتماد گفت: «کمتر فیلم‌سازیان همچون داوودی هستند که میان اندیشه و مخاطب در فیلم‌هایشان پیوند ایجاد کرده‌اند و البته داوودی جدا از فیلم‌سازی، تلاش‌های زیادی در جهت رونق صنف در سینما انجام داده است». پس از آن از یک‌یک تولد

بنی‌اعتماد گفت: «کمتر فیلم‌سازیان همچون داوودی هستند که میان اندیشه و مخاطب در فیلم‌هایشان پیوند ایجاد کرده‌اند و البته داوودی جدا از فیلم‌سازی، تلاش‌های زیادی در جهت رونق صنف در سینما انجام داده است». پس از آن از یک‌یک تولد

گفت‌وگو با نرگس آبیار، یکی از تقدیرشدگان

افتخار بزرگ

● **در اولین هم جشنواره زنان فیلم‌ساز ایرانی برگزار شده بود؛ ولی عجیب بود که شما در آن حضور نداشتید. چون فیلم‌سازان کمتر معروف هم در آنجا حضور داشتند؟**

واقعا دلیل آن را نمی‌دانم! اتفاقاً برای من هم همین سؤال مطرح بود که چرا فیلم «نفس» انتخاب نشده! به هر حال، هر جشنواره‌ای سلیاقی دارد که من از آن مطلع نیستم. ● **استقبال از «نفس» در جشنواره کلن چگونه بود؟**
خوشبختانه استقبال از فیلم‌های ایرانی در جشنواره کلن همیشه خوب است. هم به دلیل حضور بیشتر ایرانیان مقیم کلن و هم اینکه ذائقه تماشاگران آنجا با فیلم‌های ایرانی همخوانی دارد.



به‌همین‌دلیل اغلب سالن‌ها مملو از تماشاگر است. با وجود اینکه فیلم «نفس» در ساعت خوبی به نمایش درنیامد؛ اما خوشبختانه از آن خوب استقبال شد.

● **ظاهراً جشنواره غیرقانونی بوده؟**
بله. بااین‌حال تماشاگران به فیلم‌های برگزیده خود جایزه می‌دهند که امسال فیلم «ایتالیا ایتالیا» جایزه گرفت. ● **جایزه کانون کارگردانان را چگونه دیدید؟**
مدت‌ها پیش به من زنگ زدند و گفتند حتماً در مراسم کانون کارگردانان شرکت کنم. من نمی‌دانستم علت این دعوت چه بود؛ اما از آنجایی‌که کانون کارگردانان برایم مهم است، سفر خارجی خود را به تعویق انداختم

هیپ‌هاپ برای دگرگونی افغانستان

بنابراین بیشتر افغان‌ها تنها همان فرهنگ افغانی را می‌بینند و این باعث می‌شود که ذهنشان برای پذیرش چیزی جز آنچه با آن بزرگ شده‌اند باز نباشد. تو‌رها و رفتن به کشورهای گوناگون بی‌شک تأثیر مثبتی بر زندگی شخصی و موسیقی ما داشته است، چراکه باعث شده ما روش‌های نوین موسیقی را امتحان کنیم و روش‌های خود را تغییر دهیم تا به آنچه همیشه می‌خواستیم باشیم نزدیک‌تر شویم».

در دوره طالبان، فقط یک نوع موسیقی در افغانستان مجوز پخش داشت که به موسیقی «حمد» معروف است، اما درحال‌حاضر هیچ نوعی از موسیقی در هر فرم و محتوا در افغانستان ممنوع نیست؛ یعنی هرکس هرچیزی بخواهد می‌تواند بخواند و بنوازد و جالب اینکه برای این کار نیازی هم به مجوز ندارد! اما اختناق شدید در دوره طالبان طوری در روح مردم رخنه کرده که خیلی‌ها نمی‌دانند خط قرمز وجودنداشتن یعنی چه؟ آنها نمی‌دانند که می‌توانند رئیس‌جمهورشان را نقد کنند و به زندان نینفتند یا اگر کنسرت می‌گذارند کسی حق ندارد آن را لغو کند و پلیس از هنرمندان حمایت می‌کند. برای «۱۴۲۰آیند» آنچه بسیار اهمیت دارد این است که به مردم نشان دهند آنچه در تلویزیون می‌بینند افغانستان واقعی نیست. اعضای این گروه در توضیح بیشتر این موضوع اضافه می‌کنند: «درست است که ما هرروز از حملات تروریستی و انتحاری رنج می‌بریم و هرروز دوستان و خانواده‌هایمان را به‌خطر این حمله‌های احمقانه از دست می‌دهیم، اما این چیزی نیست که ما می‌خواهیم و این تصویر درستی از ما نیست. این ماجرا به‌خاطر سیاست‌گذاری‌های رهبرانی از جای‌جای جهان است. هنگامی که ما میان مردم خودمان هستیم احساس می‌کنیم که حتی آنان که از ما نفرت



شروع کرد، یک نوع طنز اجتماعی را وارد سینما کرد که البته بعداً از آن دور شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فیلم‌هایی را که دوست دارد بسازد».

سامان مقدم هم در ابتدای سخنانش خطاب به وزیر گفت: «روی سخنم با وزیر است که دستور دادند فیلم‌های توقیفی رفع مشکل شوند، ولی فیلم من «صدسال به این سال‌ها» که ۱۱سال قبل ساختم حتی در فهرست فیلم‌های توقیفی سازمان قرار نگرفته است. بعد از نمایش اول فیلم آن‌قدر مورد اتهام‌ها و حرف‌ها از جمله ضدانقلاب و جاسوس موساد قرار گرفتم، اما فیلم من پروانه ساخت گرفته بود».

کیانوش عیاری هم در بخش پایانی جایزه کیومرث پوراحمد را اهدا کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های مهم پوراحمد این است که فیلم‌هایش شعارزده نیستند. با وجود آنکه حضور پررنگی در عرصه سیاست به معنای مثبت داشته است».

پوراحمد هم با صراحت همیشگی خطاب به دکتر صالحی‌امیری گفت: «آقای وزیر تورا به خدا کاری کنبد تا پول‌های مردم از مملکت خارج نشود و تهیه‌کنندگان این پول‌های کلان را به سوپرستارهای دوزاری ندهند! سینما با این رفتارها فلج شده».

کارگردان فیلم «کشف‌هایم کو؟» با اشاره به «سال‌هایی که در دولت پاک‌دستان فیلم نساخت»، اشاره کرد: «من مرتکب اشتباهی شدم که یک فیلم جنگی ساختم که دیگر نمی‌سازم. وظیفه من این است که تا آخر پشت روحانی و دولتش بایستم؛ حتی اگر ۲۰ سال فیلم نسازم».

صالحی‌امیری هم در برابر انتقادهای صورت‌گرفته گفت: «به نظر سینمای ایران در آستانه جهش است؛ چون باور دارم که دهه چهارم انقلاب می‌تواند دمه جهش در سینمای ایران باشد؛ چون نیاز به تغییر و حرکت دارد. ما و شما سینماگران در یک صف و یک جریان قرار داریم. این حق طبیعی شماست که انتظار حمایت و امنیت داشته باشید و ما هم باید برای شما فراهم کنیم؛ چون معتقدیم حمایت همه‌جانبه از سینما یک استراتژی است و نه شعار. هفته قبل با مدیران عامل بانک‌ها جلسه داشتم تا از سینمای ایران حمایت کنند تا ظرفیت مالی بیشتری ایجاد شود».

● فیلم «برادرم خسرو» با هدف بررسی اختلال دوقطبی و مطرح‌کردن آن در جامعه، قدم به دنیای تصویر گذاشت، قدمی که هرچند نیت خیر در آن بوده و گامی به جلو، ولی عملاً نقایص تایل‌برانگیزی داشت.

۱. «خسرو» دچار اختلال دوقطبی است که این اختلال در صورت درمان، علائمش تحت کنترل است! با درمان نشده که لزوماً باید تحت درمان جدید قرار بگیرد. آنچه «خسرو» با رفتارهای ساختارشکنانه نشان می‌دهد عمدتاً ناشی از «شخصیت» اوست که لزوماً مثبت هم نیست و تقدیس آن جای سؤال دارد. به همین ترتیب رفتارهای «ناصر» به‌عنوان یک پزشک با گرایش علمی که منظم بود (و شاید شخصیت‌سواسی - جبری- را تا حدودی نشان دهد) لزوماً منفی و غلط نیست و تقابل این دو رفتار و تشویق یکی و تنقیح دیگری صحیح نیست و باید هرکدام جداگانه تحلیل شود و در تقابل با یکدیگر. «ناصر» باید رفتارهای خسرو را کنترل کند و پردازش یک شخصیت منفی در حقیقت نفی نظم و داشتن برنامه و انتقاد بر کنترل درست اوضاع از سوی خانواده است.

۲. اختلال دوقطبی در فاز شدیدای - یا مانیا- قابل کنترل است و قطعاً منجر به رفتارهای خشن در صورت کنترل علامت نمی‌شود و در صورت بروز نشانه‌های اولیه درمان قاطع و جدی و در صورت ضرورت بستری صورت می‌گیرد. بروز رفتارهای خشن ازجمله به‌هم‌ریختن اتاق، پرتاب‌کردن کمد و شکستن شیشه‌های اتومبیل از نشانه‌های اوج اختلال است و باید با آن مقابله جدی شود. (نه به‌عنوان رفتارهای مقابله‌ای و طبیعی در برابر برخوردی ناصر از آن بهره‌برداری نشود). از دیدگاه این‌جانب به‌عنوان یک روان‌پزشک، همکاری که در فیلم نشان داده شد، در تجویز دارو و کنترل اختلال سهل‌انگاری کرد.

۳- فیلم با وجود ساختار قوی و بازی‌های سنجنیده به‌ویژه بازی آقای شهاب حسینی، در انتقال پیام شناخت اختلال دوقطبی ناکامل است و در سطح یک نگرش غلط که تقابل «نظم» و «هرج‌ومرج» است باقی می‌ماند و در حقیقت تا حدودی به تقدیس رفتارهای هرج‌ومرج‌طلب خسرو و انتقاد از رفتارهای منظم پرداخته است که قطعاً حاوی پیام مثبتی برای تربیت‌های خانوادگی نیست و آگاهی درستی از اختلالی که می‌تواند قابل درمان باشد، ارائه نمی‌دهد.

● **روان‌پزشک و متخصص اعصاب**
اجرای خود راضی باشم، بی‌شک مخاطبان هم لذت برده‌اند».
همایون اسعدیان جایزه بعدی را به سامان مقدم اهدا کرد و توضیح داد: «بعضی‌ها ذاتا دوست‌داشتنی و البته بدقول هستند و به نظر سامان مقدم از آن دسته آدم‌هاست. سامان مقدم وقتی فیلم‌سازی را شروع کرد، یک نوع طنز اجتماعی را وارد سینما کرد که البته بعداً از آن دور شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فیلم‌هایی را که دوست دارد بسازد».

سامان مقدم هم در ابتدای سخنانش خطاب به وزیر گفت: «روی سخنم با وزیر است که دستور دادند فیلم‌های توقیفی رفع مشکل شوند، ولی فیلم من «صدسال به این سال‌ها» که ۱۱سال قبل ساختم حتی در فهرست فیلم‌های توقیفی سازمان قرار نگرفته است. بعد از نمایش اول فیلم آن‌قدر مورد اتهام‌ها و حرف‌ها از جمله ضدانقلاب و جاسوس موساد قرار گرفتم، اما فیلم من پروانه ساخت گرفته بود».

کیانوش عیاری هم در بخش پایانی جایزه کیومرث پوراحمد را اهدا کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های مهم پوراحمد این است که فیلم‌هایش شعارزده نیستند. با وجود آنکه حضور پررنگی در عرصه سیاست به معنای مثبت داشته است».

پوراحمد هم با صراحت همیشگی خطاب به دکتر صالحی‌امیری گفت: «آقای وزیر تورا به خدا کاری کنبد تا پول‌های مردم از مملکت خارج نشود و تهیه‌کنندگان این پول‌های کلان را به سوپرستارهای دوزاری ندهند! سینما با این رفتارها فلج شده».

کارگردان فیلم «کشف‌هایم کو؟» با اشاره به «سال‌هایی که در دولت پاک‌دستان فیلم نساخت»، اشاره کرد: «من مرتکب اشتباهی شدم که یک فیلم جنگی ساختم که دیگر نمی‌سازم. وظیفه من این است که تا آخر پشت روحانی و دولتش بایستم؛ حتی اگر ۲۰ سال فیلم نسازم».

صالحی‌امیری هم در برابر انتقادهای صورت‌گرفته گفت: «به نظر سینمای ایران در آستانه جهش است؛ چون باور دارم که دهه چهارم انقلاب می‌تواند دمه جهش در سینمای ایران باشد؛ چون نیاز به تغییر و حرکت دارد. ما و شما سینماگران در یک صف و یک جریان قرار داریم. این حق طبیعی شماست که انتظار حمایت و امنیت داشته باشید و ما هم باید برای شما فراهم کنیم؛ چون معتقدیم حمایت همه‌جانبه از سینما یک استراتژی است و نه شعار. هفته قبل با مدیران عامل بانک‌ها جلسه داشتم تا از سینمای ایران حمایت کنند تا ظرفیت مالی بیشتری ایجاد شود».

● فیلم «برادرم خسرو» با هدف بررسی اختلال دوقطبی و مطرح‌کردن آن در جامعه، قدم به دنیای تصویر گذاشت، قدمی که هرچند نیت خیر در آن بوده و گامی به جلو، ولی عملاً نقایص تایل‌برانگیزی داشت.

۱. «خسرو» دچار اختلال دوقطبی است که این اختلال در صورت درمان، علائمش تحت کنترل است! با درمان نشده که لزوماً باید تحت درمان جدید قرار بگیرد. آنچه «خسرو» با رفتارهای ساختارشکنانه نشان می‌دهد عمدتاً ناشی از «شخصیت» اوست که لزوماً مثبت هم نیست و تقدیس آن جای سؤال دارد. به همین ترتیب رفتارهای «ناصر» به‌عنوان یک پزشک با گرایش علمی که منظم بود (و شاید شخصیت‌سواسی - جبری- را تا حدودی نشان دهد) لزوماً منفی و غلط نیست و تقابل این دو رفتار و تشویق یکی و تنقیح دیگری صحیح نیست و باید هرکدام جداگانه تحلیل شود و در تقابل با یکدیگر. «ناصر» باید رفتارهای خسرو را کنترل کند و پردازش یک شخصیت منفی در حقیقت نفی نظم و داشتن برنامه و انتقاد بر کنترل درست اوضاع از سوی خانواده است.

۲. اختلال دوقطبی در فاز شدیدای - یا مانیا- قابل کنترل است و قطعاً منجر به رفتارهای خشن در صورت کنترل علامت نمی‌شود و در صورت بروز نشانه‌های اولیه درمان قاطع و جدی و در صورت ضرورت بستری صورت می‌گیرد. بروز رفتارهای خشن ازجمله به‌هم‌ریختن اتاق، پرتاب‌کردن کمد و شکستن شیشه‌های اتومبیل از نشانه‌های اوج اختلال است و باید با آن مقابله جدی شود. (نه به‌عنوان رفتارهای مقابله‌ای و طبیعی در برابر برخوردی ناصر از آن بهره‌برداری نشود). از دیدگاه این‌جانب به‌عنوان یک روان‌پزشک، همکاری که در فیلم نشان داده شد، در تجویز دارو و کنترل اختلال سهل‌انگاری کرد.

۳- فیلم با وجود ساختار قوی و بازی‌های سنجنیده به‌ویژه بازی آقای شهاب حسینی، در انتقال پیام شناخت اختلال دوقطبی ناکامل است و در سطح یک نگرش غلط که تقابل «نظم» و «هرج‌ومرج» است باقی می‌ماند و در حقیقت تا حدودی به تقدیس رفتارهای هرج‌ومرج‌طلب خسرو و انتقاد از رفتارهای منظم پرداخته است که قطعاً حاوی پیام مثبتی برای تربیت‌های خانوادگی نیست و آگاهی درستی از اختلالی که می‌تواند قابل درمان باشد، ارائه نمی‌دهد.

● **روان‌پزشک و متخصص اعصاب**
اجرای خود راضی باشم، بی‌شک مخاطبان هم لذت برده‌اند».
همایون اسعدیان جایزه بعدی را به سامان مقدم اهدا کرد و توضیح داد: «بعضی‌ها ذاتا دوست‌داشتنی و البته بدقول هستند و به نظر سامان مقدم از آن دسته آدم‌هاست. سامان مقدم وقتی فیلم‌سازی را شروع کرد، یک نوع طنز اجتماعی را وارد سینما کرد که البته بعداً از آن دور شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فیلم‌هایی را که دوست دارد بسازد».

سامان مقدم هم در ابتدای سخنانش خطاب به وزیر گفت: «روی سخنم با وزیر است که دستور دادند فیلم‌های توقیفی رفع مشکل شوند، ولی فیلم من «صدسال به این سال‌ها» که ۱۱سال قبل ساختم حتی در فهرست فیلم‌های توقیفی سازمان قرار نگرفته است. بعد از نمایش اول فیلم آن‌قدر مورد اتهام‌ها و حرف‌ها از جمله ضدانقلاب و جاسوس موساد قرار گرفتم، اما فیلم من پروانه ساخت گرفته بود».

کیانوش عیاری هم در بخش پایانی جایزه کیومرث پوراحمد را اهدا کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های مهم پوراحمد این است که فیلم‌هایش شعارزده نیستند. با وجود آنکه حضور پررنگی در عرصه سیاست به معنای مثبت داشته است».

پوراحمد هم با صراحت همیشگی خطاب به دکتر صالحی‌امیری گفت: «آقای وزیر تورا به خدا کاری کنبد تا پول‌های مردم از مملکت خارج نشود و تهیه‌کنندگان این پول‌های کلان را به سوپرستارهای دوزاری ندهند! سینما با این رفتارها فلج شده».

کارگردان فیلم «کشف‌هایم کو؟» با اشاره به «سال‌هایی که در دولت پاک‌دستان فیلم نساخت»، اشاره کرد: «من مرتکب اشتباهی شدم که یک فیلم جنگی ساختم که دیگر نمی‌سازم. وظیفه من این است که تا آخر پشت روحانی و دولتش بایستم؛ حتی اگر ۲۰ سال فیلم نسازم».

صالحی‌امیری هم در برابر انتقادهای صورت‌گرفته گفت: «به نظر سینمای ایران در آستانه جهش است؛ چون باور دارم که دهه چهارم انقلاب می‌تواند دمه جهش در سینمای ایران باشد؛ چون نیاز به تغییر و حرکت دارد. ما و شما سینماگران در یک صف و یک جریان قرار داریم. این حق طبیعی شماست که انتظار حمایت و امنیت داشته باشید و ما هم باید برای شما فراهم کنیم؛ چون معتقدیم حمایت همه‌جانبه از سینما یک استراتژی است و نه شعار. هفته قبل با مدیران عامل بانک‌ها جلسه داشتم تا از سینمای ایران حمایت کنند تا ظرفیت مالی بیشتری ایجاد شود».

● فیلم «برادرم خسرو» با هدف بررسی اختلال دوقطبی و مطرح‌کردن آن در جامعه، قدم به دنیای تصویر گذاشت، قدمی که هرچند نیت خیر در آن بوده و گامی به جلو، ولی عملاً نقایص تایل‌برانگیزی داشت.

۱. «خسرو» دچار اختلال دوقطبی است که این اختلال در صورت درمان، علائمش تحت کنترل است! با درمان نشده که لزوماً باید تحت درمان جدید قرار بگیرد. آنچه «خسرو» با رفتارهای ساختارشکنانه نشان می‌دهد عمدتاً ناشی از «شخصیت» اوست که لزوماً مثبت هم نیست و تقدیس آن جای سؤال دارد. به همین ترتیب رفتارهای «ناصر» به‌عنوان یک پزشک با گرایش علمی که منظم بود (و شاید شخصیت‌سواسی - جبری- را تا حدودی نشان دهد) لزوماً منفی و غلط نیست و تقابل این دو رفتار و تشویق یکی و تنقیح دیگری صحیح نیست و باید هرکدام جداگانه تحلیل شود و در تقابل با یکدیگر. «ناصر» باید رفتارهای خسرو را کنترل کند و پردازش یک شخصیت منفی در حقیقت نفی نظم و داشتن برنامه و انتقاد بر کنترل درست اوضاع از سوی خانواده است.

۲. اختلال دوقطبی در فاز شدیدای - یا مانیا- قابل کنترل است و قطعاً منجر به رفتارهای خشن در صورت کنترل علامت نمی‌شود و در صورت بروز نشانه‌های اولیه درمان قاطع و جدی و در صورت ضرورت بستری صورت می‌گیرد. بروز رفتارهای خشن ازجمله به‌هم‌ریختن اتاق، پرتاب‌کردن کمد و شکستن شیشه‌های اتومبیل از نشانه‌های اوج اختلال است و باید با آن مقابله جدی شود. (نه به‌عنوان رفتارهای مقابله‌ای و طبیعی در برابر برخوردی ناصر از آن بهره‌برداری نشود). از دیدگاه این‌جانب به‌عنوان یک روان‌پزشک، همکاری که در فیلم نشان داده شد، در تجویز دارو و کنترل اختلال سهل‌انگاری کرد.

۳- فیلم با وجود ساختار قوی و بازی‌های سنجنیده به‌ویژه بازی آقای شهاب حسینی، در انتقال پیام شناخت اختلال دوقطبی ناکامل است و در سطح یک نگرش غلط که تقابل «نظم» و «هرج‌ومرج» است باقی می‌ماند و در حقیقت تا حدودی به تقدیس رفتارهای هرج‌ومرج‌طلب خسرو و انتقاد از رفتارهای منظم پرداخته است که قطعاً حاوی پیام مثبتی برای تربیت‌های خانوادگی نیست و آگاهی درستی از اختلالی که می‌تواند قابل درمان باشد، ارائه نمی‌دهد.

● **روان‌پزشک و متخصص اعصاب**
اجرای خود راضی باشم، بی‌شک مخاطبان هم لذت برده‌اند».
همایون اسعدیان جایزه بعدی را به سامان مقدم اهدا کرد و توضیح داد: «بعضی‌ها ذاتا دوست‌داشتنی و البته بدقول هستند و به نظر سامان مقدم از آن دسته آدم‌هاست. سامان مقدم وقتی فیلم‌سازی را شروع کرد، یک نوع طنز اجتماعی را وارد سینما کرد که البته بعداً از آن دور شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فیلم‌هایی را که دوست دارد بسازد».

سامان مقدم هم در ابتدای سخنانش خطاب به وزیر گفت: «روی سخنم با وزیر است که دستور دادند فیلم‌های توقیفی رفع مشکل شوند، ولی فیلم من «صدسال به این سال‌ها» که ۱۱سال قبل ساختم حتی در فهرست فیلم‌های توقیفی سازمان قرار نگرفته است. بعد از نمایش اول فیلم آن‌قدر مورد اتهام‌ها و حرف‌ها از جمله ضدانقلاب و جاسوس موساد قرار گرفتم، اما فیلم من پروانه ساخت گرفته بود».

کیانوش عیاری هم در بخش پایانی جایزه کیومرث پوراحمد را اهدا کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های مهم پوراحمد این است که فیلم‌هایش شعارزده نیستند. با وجود آنکه حضور پررنگی در عرصه سیاست به معنای مثبت داشته است».

پوراحمد هم با صراحت همیشگی خطاب به دکتر صالحی‌امیری گفت: «آقای وزیر تورا به خدا کاری کنبد تا پول‌های مردم از مملکت خارج نشود و تهیه‌کنندگان این پول‌های کلان را به سوپرستارهای دوزاری ندهند! سینما با این رفتارها فلج شده».

کارگردان فیلم «کشف‌هایم کو؟» با اشاره به «سال‌هایی که در دولت پاک‌دستان فیلم نساخت»، اشاره کرد: «من مرتکب اشتباهی شدم که یک فیلم جنگی ساختم که دیگر نمی‌سازم. وظیفه من این است که تا آخر پشت روحانی و دولتش بایستم؛ حتی اگر ۲۰ سال فیلم نسازم».

صالحی‌امیری هم در برابر انتقادهای صورت‌گرفته گفت: «به نظر سینمای ایران در آستانه جهش است؛ چون باور دارم که دهه چهارم انقلاب می‌تواند دمه جهش در سینمای ایران باشد؛ چون نیاز به تغییر و حرکت دارد. ما و شما سینماگران در یک صف و یک جریان قرار داریم. این حق طبیعی شماست که انتظار حمایت و امنیت داشته باشید و ما هم باید برای شما فراهم کنیم؛ چون معتقدیم حمایت همه‌جانبه از سینما یک استراتژی است و نه شعار. هفته قبل با مدیران عامل بانک‌ها جلسه داشتم تا از سینمای ایران حمایت کنند تا ظرفیت مالی بیشتری ایجاد شود».

● فیلم «برادرم خسرو» با هدف بررسی اختلال دوقطبی و مطرح‌کردن آن در جامعه، قدم به دنیای تصویر گذاشت، قدمی که هرچند نیت خیر در آن بوده و گامی به جلو، ولی عملاً نقایص تایل‌برانگیزی داشت.

۱. «خسرو» دچار اختلال دوقطبی است که این اختلال در صورت درمان، علائمش تحت کنترل است! با درمان نشده که لزوماً باید تحت درمان جدید قرار بگیرد. آنچه «خسرو» با رفتارهای ساختارشکنانه نشان می‌دهد عمدتاً ناشی از «شخصیت» اوست که لزوماً مثبت هم نیست و تقدیس آن جای سؤال دارد. به همین ترتیب رفتارهای «ناصر» به‌عنوان یک پزشک با گرایش علمی که منظم بود (و شاید شخصیت‌سواسی - جبری- را تا حدودی نشان دهد) لزوماً منفی و غلط نیست و تقابل این دو رفتار و تشویق یکی و تنقیح دیگری صحیح نیست و باید هرکدام جداگانه تحلیل شود و در تقابل با یکدیگر. «ناصر» باید رفتارهای خسرو را کنترل کند و پردازش یک شخصیت منفی در حقیقت نفی نظم و داشتن برنامه و انتقاد بر کنترل درست اوضاع از سوی خانواده است.

۲. اختلال دوقطبی در فاز شدیدای - یا مانیا- قابل کنترل است و قطعاً منجر به رفتارهای خشن در صورت کنترل علامت نمی‌شود و در صورت بروز نشانه‌های اولیه درمان قاطع و جدی و در صورت ضرورت بستری صورت می‌گیرد. بروز رفتارهای خشن ازجمله به‌هم‌ریختن اتاق، پرتاب‌کردن کمد و شکستن شیشه‌های اتومبیل از نشانه‌های اوج اختلال است و باید با آن مقابله جدی شود. (نه به‌عنوان رفتارهای مقابله‌ای و طبیعی در برابر برخوردی ناصر از آن بهره‌برداری نشود). از دیدگاه این‌جانب به‌عنوان یک روان‌پزشک، همکاری که در فیلم نشان داده شد، در تجویز دارو و کنترل اختلال سهل‌انگاری کرد.

۳- فیلم با وجود ساختار قوی و بازی‌های سنجنیده به‌ویژه بازی آقای شهاب حسینی، در انتقال پیام شناخت اختلال دوقطبی ناکامل است و در سطح یک نگرش غلط که تقابل «نظم» و «هرج‌ومرج» است باقی می‌ماند و در حقیقت تا حدودی به تقدیس رفتارهای هرج‌ومرج‌طلب خسرو و انتقاد از رفتارهای منظم پرداخته است که قطعاً حاوی پیام مثبتی برای تربیت‌های خانوادگی نیست و آگاهی درستی از اختلالی که می‌تواند قابل درمان باشد، ارائه نمی‌دهد.

● **روان‌پزشک و متخصص اعصاب**
اجرای خود راضی باشم، بی‌شک مخاطبان هم لذت برده‌اند».
همایون اسعدیان جایزه بعدی را به سامان مقدم اهدا کرد و توضیح داد: «بعضی‌ها ذاتا دوست‌داشتنی و البته بدقول هستند و به نظر سامان مقدم از آن دسته آدم‌هاست. سامان مقدم وقتی فیلم‌سازی را شروع کرد، یک نوع طنز اجتماعی را وارد سینما کرد که البته بعداً از آن دور شد. امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فیلم‌هایی را که دوست دارد بسازد».

سامان مقدم هم در ابتدای سخنانش خطاب به وزیر گفت: «روی سخنم با وزیر است که دستور دادند فیلم‌های توقیفی رفع مشکل شوند، ولی فیلم من «صدسال به این سال‌ها» که ۱۱سال قبل ساختم حتی